

میهن

نشریه مرکزی سازمان انقلابی فرهنگیان افغانستان

- در این شماره :
- بحث پیرامون طرح اصول کلی «نبا» (ص ۲)
 - جهان سوم در آخرین دهه سده بیستم (ص ۳)
 - در حاشیه یک رویداد فرهنگی (ص ۴)
 - گفتار در اساسات دموکراسی (ص ۶)

شماره ۱۶ ، سوم ، سال سوم ، شماره ۱۶

به مناسبت شهادت امیرالمومنین علی (ع)

از علی آموزا خلاص عمل

بزرگترین گناه ترس است
 بزرگترین تفهیم کار است
 بزرگترین بدلا نویسی است
 بزرگترین شجاعت صبر است
 بزرگترین استاد بجزیه است
 بزرگترین اسرار مرگ است
 بزرگترین افتخار ایمان است
 بزرگترین سود فرزندانیک است
 بزرگترین هدیه گذشت است
 بزرگترین سرمایه اعتماد به نفس است

ندای زمان

بحث پیرامون طرح اصول کلی «ندا»

«مهین» آزادی مطبوعات را به مثابه مادر تمام آزادیهای دیگر ارزیابی میکند و بدان باورمند است. بر پایه این اصل نوشته محترم بافنده را که نظر شخصی شان است، نشر میکنیم و مجدداً از دانشمندان، سیاستمداران، فرهنگیان و روشنفکران صمیمانه دعوت میکنیم در بحث و بررسی طرح اصول کلی نهضت دموکراسی افغانستان (ندا) اشتراک نمایند.

نشر طرح «اصول کلی نهضت دموکراسی افغانستان (ندا)» (جریده مهین شماره ۱۵ حمل سال ۱۳۶۹ ش) در میان صفوف سیاسی، فرهنگی و روشنفکری کشور تحریک و مباحث پرشوری را برانگیخته است. انتظار مائیز همین بوده است. در اعلامیه بوروی سیاسی ک.م.س.ا. ز.ا. با صراحت آمده است:

«ما ادعا نداریم که در این اصول کاستیها و نارساییها بیجا بی وجود ندارد. از کلیه هموطنان در داخل و خارج کشور صمیمانه دعوت میکنیم طرح اصول کلی نهضت دموکراسی افغانستان (ندا) را به گونه تحلیلی، انتقادی و سازنده مطالعه کنند و با پیشنهادهای خود در کمیتههای تخصصی آن ما را یاری رسانند تا باشد این طرح مبین اندیشه و خواست آنان گردد و نهضت دموکراسی افغانستان به مثابه نهضت مردم، همه نیروها و شخصیتهای چابکار صلح، آزادی، دموکراسی و سعادت انسان پیوسته توسعه یابد.»

طرح اصول کلی نهضت دموکراسی افغانستان (ندا) ندای زمان است و به همین سبب مورد توجه قرار گرفته است. زمان آستانه حوادث مهمی در عرصه ملی و جهانیست. دگرگونیهای سازنده در برابر دیدهگان ما جریان دارد و بر پایه آن مطالبات نوینی در دستور روز قرار میگیرد. نخست آن که موقعیت جامعه خود را واقعبینانه و با درک مسوولیت در یابیم.

جامعه ما به شدت پریشان و پراکنده شده است. جنگ نه در یک بعد، نه در یک جبهه، بلکه در ابعاد مختلف و در جبهات مختلف جریان دارد. تشتت نیروها به آخرین مرتبه ممکن خود رسیده است.

چه بخواهیم چه نخواهیم، دوران ما مسأله ضرورت تامین همسویی نیروها را پیش کشیده است. لاکن تا زمانی که اصول سیاسی روشنی وجود نداشته باشد، هرگونه صحبتی در مورد اتحاد و همبستگی نیروها شعارهای بی میانتهی خواهد بود.

زنده گی سیاسی کشور ما در سده روان با صراحت ثابت میسازد که جنبش سیاسی مردمی باید اندیشه ها و آرمانهای بزرگ ملی را بازتاب دهد. چنین بوده است نهضت استقلال طلبی، نهضت مشروطه، نهضت دوره هفتم شورا و چنین است مطالبات جنبش کنونی جامعه ما.

در شرایطی که انواع احزاب و سازمانهای سیاسی ایجاد شده اند، گسترش و تعمیق مبارزه سیاسی به تدریج استقامت عمده را به وجود میآورد و در جو چنین روندی مردم که بیدار شده اند، بیش از پیش در مورد نیروهای سیاسی داور میگردند. هیچ نیروی سیاسی جدا از مردم نمیتواند به هستی خود ادامه دهد. ازینجا است درک درست آرمانها و خواستههای مردم مهمترین و وظیفه و رسالت یک سازمان سیاسی مدعی خدمت به مردم به شمار میرود.

مردم چی میخواهند؟ در یک کلمه مردم میخواهند در وطن ماچنان دولتی ایجاد شود که در خدمت تأمین منافع خا نواده ها و افراد، بلکه در عمل خدمتگزار مردم باشد. چنین دولتی درغیاب مردم نمیتواند به وجود آید. دولتها بی که از بالا بر مردم تحمیل گردند و یابیه شیوه های توطنه آمیز ایجاد شوند، در نهایت ستبدادی خواهد بود. اساس، قدرت مردم است. و اما قدرت مردم چگونه میتواند متجلی شود؟ بشریت را هی بهتر از دموکراسی تاکنون سراغ ندارد. فقط در شرایط دموکراسی وانتخابات آزاد مردم میتوانند دولتی قانو نی ایجاد کنند.

بدینگونه لازم و متمم استقلال و آزادی، دموکراسیست. دموکراسی سیاسی که هم آزاد و هم نیت افراد را تأمین کند و هم زمینه های مساعد شرکت و سبب مردم را در تعیین سرنوشت خود و در تشکیل دولتها و قاعده ملی و واقعاً مردمی میسر سازد.

شاید عده بی استدلالت نمایند در شرایط جنگی چی صحبتی از دموکراسی میتوانند مطرح باشد؟ چنین دلیلی وارد نیست. نخست برای این که خود جنگ محصول ظلم، استبداد، نقض حقوق ملی و انسانی مردم مولود دیکتاتوری، تجاوز و ظلم است. ثانیا دیگر مردم کشور ما هو شیار شده اند. سواد سیاسی آنها در سطحی قرار دارد که میتوانند داوری کنند و دوست و دشمن، ریاکار و راستکار را بشناسند. همین مردم ساده وطن ما نشان دادند با چه مقیاس بزرگی، با چه ایمان و اراده بی معنی عمیق دفاع از آزادی و استقلال را میفهمند. به چنین مردمی باید اعتماد کرد. باراصولی مبارزه به خاطر دفاع از آزادی میسر ملی، استقلال و آزادی وطن را همیشه آنها بردوش کشیده اند، اما ثمر آن را

مردم با شد.

به جریده محترم مهین در شماره ۱۵ سال سوم، حمل ۱۳۶۹ خورشیدی اعلامیه و طرح اصول کلی سازمان شما را با پس منظر تاریخی آن مطالعه کردم. البته اولین بار است که در جریده شما رویداد ۷ ثور ۱۳۵۷ ش راچند روزقبل انقلاب کبیر ثور و بعداً انقلاب شکوهمند ثور مینامیدند، کودتا خواندید و واقعیت را طوری که رونما گردیده بود افشاء کردید قابل تمجید بوده است. مردم افغانستان اکثراً پیروزی کودتای سردار محمد داود و سپس کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ ش را از اثر حمایه کشور خارجی میدانند و کوچکترین ارزشی به آن قایل نیستند و هر دورا مر دود می شمارند، ولی شما توانستید که آن را رسماً به جهانیان اعلام دارید و از جانب صاحب نظران خواستار ابراز نظر در باره طرح مرام خویش شده اید. شاید اکثر اشخاص صاحب نظر به صدای شما لبیک گفته و نظرشان را صریح و روشن اظهار نمایند من هیچ مدان هم خواستم تا بعد از مطالعه مکرر اعلامیه و طرح پیشنهادی شما به صورت بسیار فشرده و مختصر ابراز نظر نمایم.

۱- مردم افغانستان منشاء کودتای سرطان ۱۳۵۲ ش محمد داود و ثور ۱۳۵۷ ش حزب دموکراتیک خلق و کشتارهای انفرادی و دسته جمعی که صورت گرفته است، رادر جاه طلبی کودتاچیان و حمایه و کمک اجنبی میدانند، لذا از نام ایزمها سخت نفرت پیدا کرده اند. البته گناه مردم افغانستان نیست که از حزبهای و ایزمها متنفر گردیده اند، بلکه گناه سردمداران کودتاها بوده که مردم را دشمن حزبهای و ایزمها ساخته است. در جهان هیچ دکتاتورهای ملت و مردم خود آنقدر نکشته است که رهبران کودتاها را ماکتول عام کرده اند. آتیلا هیچ قوم خود را نکشته بود و چنگیز همچنان. آخرین جلاد تاریخ هتلر هم آلمانی را نکشت. آنها مردم کشورهای تحت سلطه خود را نابود کردند. ابتکار رهبران کودتای ما این است که هر چه کشتند از مردم خود و ملت خود بوده است، آنها نه تنها فیو دال و سرمایه داران نابود کردند، بلکه طبقه رنجبر را بیشتر و بیشتر کشتند، بنا تنفر

مردم ما را بار آورده اند. شاید به مرور زمان این تنفر رفع گردد و آنها در صورتی که چیزی که میگویند عملی سازند تا مردم یقین و باور کنند در غیر آن طوری که تا حال عمل شده است مردم به هیچ سخن حزب و دولت باور ندارند و باور نخواهند کرد. ۲- اعضا و هواداران سازمان شما که در اوایل کودتاها ۱۳۵۲ ش و ۱۳۵۷ ش مانند دیگر اقشار و طبقات مردم افغانستان زجر کشیده، ستم دیده و به قتل رسیده اند از دید مردم ما پوشیده نیست، ولی با آنها دو اشتباه را مرتکب شدید: اول کلمه انقلابی و زحمتکشان را برای سازمان خود تعیین کردید آنچه مردم از آن منتظر اند. دوم در اواخر با دولت دست نشاندگان ائتلاف گردید و مسوولیت آن را به دوش گرفتید و رهبری حزب دموکراتیک خلق را متقبل شدید. هر چند که سازمان شما در کشتار انفرادی و دسته جمعی مردم سهم نداشت و ندارد، ولی خود را آلوده ساحت قابل درک است. باید ذهینت ها را روشن سازید، البته پیوسته نظر خود را با استقلال تام بیان داشته اید، ولی نتوانستید که کاملاً خود را از تحت قیادت حزب دموکراتیک خلق کناره کشید باید مستقل و با پشتیبانی مردم عمل نمایند. ۳- در مورد طرح شما باید گفت که مردم ما به ملاحظه این طرح درست به واقعیت مرام نامه شما بی نخواهند برد. چون مرام بدین مسأله توجه میکند که به کدام مکتب اقتصادی تعلق دارد. مکتبهای اقتصادی در جهان دو سه نوع است. به طور مثال فاشیستها از اقتصاد رهبری شده پیروی میکردند. سرمایه را ملی نکردند، ولی هدایت میدادند که به این راه برود و چنین و چنان کند. مکتب دیگر اقتصاد سوسیالیستی اعتدالی شاخه از مارکسیزم است که امروز متران در فرانسه و حزب کارگر انگلستان پیروی آن هستند. آنها طرفدار آزادی و دموکراسی بوده و تا جایی که افراد به منافع مردم تجاوز نکنند، از اقتصاد آزاد پیروی می نمایند و البته صنایع سنگین، صحت عامه، جنگلات و غیره (ص ۴)

جهان سوم در آخرین دهه سده بیستم

در بسیاری کشور های غربی و نیز در کشور های رو به انکشاف بدین باور اند که دهه ۱۹۸۰ م برای جهان سوم «دهه تو فافنا» بوده است. افزایش قرضه های غربی، فرو عقبنامه گری شدید اقتصاد نادار ترین کشور ها عمده ترین ریل چین بر خورد از زیا بی میشود. لکن این همان تکرار افسانه پیشین است: کشور ها و فکتور ها و انتخاب میشوند که با چنین فر ضیه بی «همسوی دارند. اگر قرار باشد چنین شیوه پذیرفته شود به آسانی میتوان معکوس آن را ثابت ساخت و از گروه کشورهای نام گرفت که در مسیر رشد سریع صنعتی حرکت میکنند. به هر صورت یک نکته درست است: انکشاف اقتصادی، اجتماعی کشور های جهان سوم متفاوت و نامتناس است.

بررسی دقیق این کشور ها نشان میدهد که چگونگی آنها به تدریج در بستر رشد سرمایه داری قرار میگیرد. در این بستر چند صفت کشور ها را میتوان مشخص ساخت در صف اول بیست کشور قرار دارند که راه رشد سریع میپیمایند. به دنبال آنها در صف دوم شمار قابل ملاحظه کشور ها با جمعیت نه صد میلیون نفر تنگاتنگ هم با یکدیگر بر میدارند. در صف سوم کشور های اندک سطحی ملی آنها پایین است، مگر با آنکه نسبتاً سریع و ثابت انکشاف میکنند.

در این کشور ها ۱۳ میلیارد نفر زنده می کنند. در صف چهارم از نادار ترین کشور ها با یاد کرد. دشواری های مبرم و واقعی در این کشور ها نهفته اند و ۳۸۰ میلیون انسان گرسنه و فقیر در این کشور ها بسر میبرند.

در دهه ۱۹۸۰ م چنین تصور میشود که از طریق «کمک های رسمی» میتوان دشواری های این منطقه جهان را کاهش داد. صحبت بر سر کمک های است که به شکل قرضه های مساعد، کمک های بلا عوض از طرف دولت های پیشرفته و یا «ترو تمند» و از طریق موافقتنامه های دو جانبه و چندین جانبه (سازمانهای بین المللی) به دسترس کشور های رو به انکشاف گذاشته میشود.

حجم چنین کمک های افزایش مییافت. مثلاً در سال ۱۹۸۷ م از جمله ۷۰ میلیارد دلار کمک دولتی پیشرفته سرمایه داری به دو کشور لیتوانی و به انکشاف ۴۱ میلیارد یا ۵۹ فیصد به کمک های رسمی تعلق می گرفت. در صورتی که در سال ۱۹۸۰ م حجم چنین مساعدتهای ۲۷٫۳ فیصد بود.

دهه ۱۹۸۰ م ثابت ساخت که «کمک های رسمی» موثر

استقامتها ی جدیدی اختیار کند. شرایط کار آسای آن در کل اقتصاد ملی کشور که در آنجا سرمایه گذاری صورت گرفته است دیگرگون گردیده و اشکال هر چه مترقی تری را اختیار کرده است. مانند توزیع سهام، ایجاد موسسات مختلط، مقاطعه کاری با استقاده امکانات و انرژی معروض تمام این ها برای کشورهای رو به توسعه ثمر بخش است. در میان اشکال مختلف صدور سرمایه به کشورهای رو به انکشاف امر سرمایه گذاری مستقیم سرمایه صنعتی ثمر بخش ترین و مطلوب ترین شکل است. چرا؟

برای این که سرمایه گذاری مستقیم سرمایه صنعتی با پیامدهای اسرار آور سرمایه گذاری خالص مالی که ممکن است در نتیجه کمبود رشد و فقدان تجربه ظاهر شود، همراه نمیشود تفاوت فاحش میان او - ضاع واحوال اصف ناک نا دار ترین کشور ها و رفاه کشورهای صنعتی جدید توجه دانشمندان و نظریه پردازان را مجدداً به مساله تناسب دولت و بازار جلب کرده است. موافقت های کشورهای صنعتی جدید باموثریت معجزه آسای بازار آزاد و ناکا میهای کشورهای نادار با مداخله دولت توضیح میگردد و ولی فراموش میشود بدون مداخله بنیادین تنظیم دولتی انکشاف سریع هیچ کشوری تا مین نشده است. بدیهی است مداخله دولت حتی در مواردی که شرایط عینی تاریخی چنین مداخله ای را موجب جلوه میدهد، همواره با گسترش بیرونی همراه است و گرایشها ی منفی مولود آن پیشمارد. غیر قابل کنترل چنین پدیده های منفی ممکن به خصلت مسلط مبدل شود و کشور را به بن بست بکشد. به هر صورت شاید ماهیت مناقشه در این نکته نهفته نباشد که کدام نهاد ضروری تر است، دولت یا بازار. هر دو عامل (حتی در کشورهای بسیار پیشرفته) متمم یکدیگر در آرگانیسم تولید اجتماعی به شمار میروند و یکی بدون دیگری ثمر بخش نبوده نمیتواند. سخن بر سر این است که در هر کشوری مشخص در هر مرحله معین انکشاف آن با نظر داشت موقعیت چنین کشوری در تقسیم بین المللی کار فارمول مناسبتی تر کیب بازار و فعالیت های اقتصادی دولت به گونه ثمر بخش و سازنده جستجو گردد.

در آخرین دهه سده بیستم درست حل این مساله در برابر کشورهای روبه توسعه قرار دارد. (ترجمه از نشریه ژه - رو بیژدم شماره ۵ سال ۱۹۹۰ م)

در طرح «اصول کلی نهضت دموکراسی افغانستان (ندا)» آمده است: «بدون درک و آگاهی از مهمترین پرونده های ملی، منطقه - بی وجهانی، جستجو و دستیابی راه حل مساله افغانستان بسیار دشوار و حتی ناممکن به نظر میرسد.»

پرونده های ملی، منطقه - بی وجهانی، متحول و بغیر نچاند. یکی از این نقش روز افزونی را در سیاست، اقتصاد و مناسبات بین المللی بازی میکند. وطن ما در قطار این کشور ها قرار دارد از این جاست که شناسایی موقعیت جهان سوم ما را یاری میرساند تا موقعیت کشور خود را در عرصه جهانی هستند، که به شکل انفرادی و جمعی (عمده تا در چارچوب جنبش عدم انسلک، ملل متحد و همکاری های منطقه ای) در جستجوی راه حل آنها گام بر میدارند و این خصلت مشترک آنها را تشکیل میدهد.

طی چند دهه مبارزه با استعمار و تشکیل دولت های ملی معینی در کشورهای جهان سوم شکل گرفتند که اکنون در روشنی دیگر گونی های مثبت جهانی غنی تر میشوند و راه خود را در اذهان و قلوب ملیونها میلیون انسان روی زمین باز میکنند. از سوی دیگر با نظر داشت گسترش علم و تکنولوژی معاصر رشد مواصلات و توسعه همکاری ها معینی مورد تجدید نظر قرار میگیرند. یکی از جدی ترین مسایل مورد بحث عبارتست از مناسبات کشورهای جهان سوم با کشورهای پیشرفته جهان به ویژه در عرصه انکشاف همکاری های اقتصادی با نظر داشت گرایشها ی نوینی که در عرصه بین المللی اکنون جریان دارد. یا فتن پاسخی روشن به این مساله دارائی اهمیت جهانی و تاریخی خواهد بود.

اگر در نظر بگیریم که در جهت احیا و عمران مجدد کشور به خاطر بسیج نیرو ها و امکانات داخلی به کمک های موثر خارجی و بین المللی نیاز جاسی داریم، آنگاه مبرم بود نظر این پرسش بر جسته تر میگردد. با نظر داشت این نکته مطلب آتی را به خاطر بحث و بررسی، نشر میکنیم.

نیست. آشکار گردید که با وصف کمک های قابل ملاحظه - بی که به کشورهای نادار و نادار ترین صورت میگیرد آنها نه فقط ترو تمند میشوند - ندو در مسیر انکشاف قرار نمیگیرند، بلکه معکوساً روز به روز با دشواری های بیشتری مواجه میشوند و اوضاع واحوال انفجاری آنها را تهدید میکند. زرا - عت کاهش مییابد و کاهش تولید و عاید ملی همچنان ادامه دارد. پدیده نوینی تحت عنوان صنعتی شدن فاقد انکشاف به میان آمد. در این کشور ها موسسات صنعتی بدون ملاحظه نیاز های ملی ایجاد میگردد. به فقدان نیروی کار متخصص، فقدان زیر بنای صنعتی توجه نمیشود. این گونه «صنعتی شدن» با نیاز های مبرم مردم همگنی نداشته و بر وجه دولت باری سنگینی را تحمیل کرد و موجب تورم تشکیلات غیر ضروری دولتی، بیرو - کراسی، گسترش فساد و اختلاس گردید.

سزاوار یاد آوری است که کمک های بین المللی نیز ثمر بخش واقع نشد. چنین نهادی صرف برای دولتهای کمک دهنده و دستکاهای واسطه دلچسپ بود. کشور کمک دهنده بخشی از عاید ملی خود را به منظور کمک و انکشاف کشور های نادار و رو به انکشاف به دسترس ساز ما نهی بین المللی قرار میدهد و به نتایج نهای آن علاقه ای ندارد. دستکاهای واسطه (اداره های گوناگون بین - المللی) وظیفه خود را در این میبینند که از جیب کشورهای کمک دهنده مبلغ بیشتری کش ببرند: هر چه شماری پروژها زیاد تر

باشد به همان تناسب گویا وظیفه خود را بهتر اجرا میکنند.

چنین روایی تا اندازه - بی با اداره مالکیت «عام دولتی» بیصاحب در کشور ما قابل مقایسه است. (هدف نو پسند اتحاد شوروی است. م) از سوی دیگر عدم مداخله سازمانهای بین المللی در اجرای مشخص پروژها ی کمکی چه بسا که بی مسو - ولیتی، خود سری و بیرو - کراسی محلی را در پی دارد و در نتیجه بخش قابل ملاحظه

در کفرانس بانده و ننگ (اپریل ۱۹۵۵ م) نماینده گان بیس از نیی از جمعیت جهان، آمال و آرزو های مشترک خود را در ده اصل اساسی به جهانیان اعلام داشتند:

- ۱- احترام حقوق اساسی بشر
- ۲- احترام حاکمیت و تمامیت ارضی ملتها
- ۳- شناسایی برابری تمام نژادها و تمام ملتها
- ۴- عدم مداخله در امور داخلی کشور های دیگر
- ۵- احترام حق هر ملتی در دفاع از خود به طور فردی یا دسته جمعی
- ۶- خود داری از اعمال و تهدید های تعرضی
- ۷- حل تمام اختلافات بین - المللی از طریق مسالمت آمیز
- ۸- تشویق همکاری بر پایه منافع متقابل
- ۹- احترام عدالت و تعهد های بین المللی
- ۱۰- امتناع از توسل به موافقت های دفاع دسته جمعی که هدف آن تامین منافع خصوصی دولتهای بزرگ باشد و نیز احتراز از اعمال فشار بر ملتهای دیگر.

حظه کمک حیف و میل میشود و یا صاف وساده به غارت میرود.

تجارب دهه ۱۹۸۰ م با صراحت نشان میدهد که بر نقش شرکتهای چندین ملیتی و بر اهمیت سرمایه گذاری های خارجی باید تجدید نظر صورت بگیرد. شرکتهای چندین ملیتی و سرمایه گذاری خارجی میتواند در حل بسیاری دشواری های کشورهای روبه توسعه و نادار و نادار ترین به گونه موثر مساعدت نمایند. در نتیجه بر خورد تکنولوژی و منفی به مساله سرمایه گذاری خارجی در کشورهای روبه توسعه و در نتیجه ایجاد فضای روانی منطبق با چنین بر خوردی و سیاستی که از چنین روشی منشا میگرفت امکانات سازنده نهاد های متد کره به کار گرفته نشد.

البته شرکتهای بزرگ چند ملیتی به خاطر آن به کشورهای رو به توسعه نمی آیند که خیرات بدهند. هدف عمده آنها سود جوئی است. لکن نقش استثمار - گرانه آنها با نقش موثریت اقتصاد دی و گسترش تکنولوژی جدید در هم میآمیزد.

تجرب فکری (دگما تیزم) نسبت به سرمایه گذاری خارجی در یک نکته دیگر نیز ظاهر میشود. این مطلب که سرمایه گذاری مستقیم دوران کلونیالیزم (استعمار) و سالهای نخستین بعد از سقوط آن دستخوش تغییرات مهمی شده است، فراموش میگردد. تحت فشار جنبش آزاد بیخش ملی سرمایه خارجی در بسیاری کشورهای آزاد شده ناگزیر شد خودش را باز سازی نماید و

ساخت در صف اول بیست کشور قرار دارند که راه رشد سریع میپیمایند. به دنبال آنها در صف دوم شمار قابل ملاحظه کشور ها با جمعیت نه صد میلیون نفر تنگاتنگ هم با یکدیگر بر میدارند. در صف سوم کشور های اندک سطحی ملی آنها پایین است، مگر با آنکه نسبتاً سریع و ثابت انکشاف میکنند.

در این کشور ها ۱۳ میلیارد نفر زنده می کنند. در صف چهارم از نادار ترین کشور ها با یاد کرد. دشواری های مبرم و واقعی در این کشور ها نهفته اند و ۳۸۰ میلیون انسان گرسنه و فقیر در این کشور ها بسر میبرند.

در دهه ۱۹۸۰ م چنین تصور میشود که از طریق «کمک های رسمی» میتوان دشواری های این منطقه جهان را کاهش داد. صحبت بر سر کمک های است که به شکل قرضه های مساعد، کمک های بلا عوض از طرف دولت های پیشرفته و یا «ترو تمند» و از طریق موافقتنامه های دو جانبه و چندین جانبه (سازمانهای بین المللی) به دسترس کشور های رو به انکشاف گذاشته میشود.

حجم چنین کمک های افزایش مییافت. مثلاً در سال ۱۹۸۷ م از جمله ۷۰ میلیارد دلار کمک دولتی پیشرفته سرمایه داری به دو کشور لیتوانی و به انکشاف ۴۱ میلیارد یا ۵۹ فیصد به کمک های رسمی تعلق می گرفت. در صورتی که در سال ۱۹۸۰ م حجم چنین مساعدتهای ۲۷٫۳ فیصد بود.

دهه ۱۹۸۰ م ثابت ساخت که «کمک های رسمی» موثر

نیست. آشکار گردید که با وصف کمک های قابل ملاحظه - بی که به کشورهای نادار و نادار ترین صورت میگیرد آنها نه فقط ترو تمند میشوند - ندو در مسیر انکشاف قرار نمیگیرند، بلکه معکوساً روز به روز با دشواری های بیشتری مواجه میشوند و اوضاع واحوال انفجاری آنها را تهدید میکند. زرا - عت کاهش مییابد و کاهش تولید و عاید ملی همچنان ادامه دارد. پدیده نوینی تحت عنوان صنعتی شدن فاقد انکشاف به میان آمد. در این کشور ها موسسات صنعتی بدون ملاحظه نیاز های ملی ایجاد میگردد. به فقدان نیروی کار متخصص، فقدان زیر بنای صنعتی توجه نمیشود. این گونه «صنعتی شدن» با نیاز های مبرم مردم همگنی نداشته و بر وجه دولت باری سنگینی را تحمیل کرد و موجب تورم تشکیلات غیر ضروری دولتی، بیرو - کراسی، گسترش فساد و اختلاس گردید.

سزاوار یاد آوری است که کمک های بین المللی نیز ثمر بخش واقع نشد. چنین نهادی صرف برای دولتهای کمک دهنده و دستکاهای واسطه دلچسپ بود. کشور کمک دهنده بخشی از عاید ملی خود را به منظور کمک و انکشاف کشور های نادار و رو به انکشاف به دسترس ساز ما نهی بین المللی قرار میدهد و به نتایج نهای آن علاقه ای ندارد. دستکاهای واسطه (اداره های گوناگون بین - المللی) وظیفه خود را در این میبینند که از جیب کشورهای کمک دهنده مبلغ بیشتری کش ببرند: هر چه شماری پروژها زیاد تر



فرهنگ



در حاشیه یک رویداد فرهنگی



شکر ف ویژه کیی دارد این اقلیم پهناور و مرز نا پذیر فرهنگ و ادبیات ، هر گاه که نسیم روا بخش آزادی بر درختستانها و با غستانهای این سرزمین میوزد ، همه جا شکفته گی را مینگری و رویش و با لش را و آنگاه که سمو استبداد و خود کامه کی در آن ره - میگشاید ، ستر و نیا را و رختها را وانجام ذهنها را . خود کامه کی قفل پولادین بز رگبست که بر درگاه رشد فرهنگ آویخته میشود ، خود کامه کی ویکه تازی به سان خوره پیست که پیکر آزاد اندیشی را گندیده و متلاشی میسازد . این جاست که باید با شاعر هنوا و همدستان شد و گفت :

ای آزادی خجسته آزادی از یاد تو روی برنگردانم یا آنکه مرا به نزد خود خوانی یا آنکه ترا به نزد خود خوانم

به روز دوازدهم حوت سال پار ، پلینوم شورای مرکزی انجمن نویسنده گان افغانستان جهت بازنگری باره یی از مواد مصرح در اسامنامه انجمن و نیز گزینش رئیس و معاونان و جدید آن بر گزار شد . دو فرهنگ پیشکسوت و نامدار کشور مان ، محمد اعظم رهنورد زریاب و محمد حسن باری شفیعی ، کاندید مقام

ریاست انجمن نویسنده گان بودند . در نتیجه رای گیری سرری رهنورد زریاب با گرفتن

بیست رای توانست مقام ریاست انجمن را به دست آورد . دوازده تن از اعضای شورای مرکزی به باری شفیعی رای دادند و باید یاد آور شد که سی و دو تن از اعضای شورای مرکزی در کار این پلینوم سهم گرفته بودند .

«پهون» بر آنست که باید گزینش مسوولین در همه بخشها و عرصه ها ، به ویژه در بخشهای فرهنگی و ادبیات ، دمیگ بر پایه موازین دموکراتیک و انتخاب سوری صورت گیرد نه بر مبنای رای گیری علنی که نوعی از تفتیش عقاید است و نه بر اساس پیش سنجیها زیر کسارانه . به آنکه رای سوری میدهی به معنای آنست که از ژرفای وجدان و قلب خویش او را بر گزیده خود می پنداری و صمیمانه با وی همکاری و همراهی میکنی و هر گاه نا به هنجار و کژ آهنگی در کنش و منش وی بینی میتوانی در معرض مواخذه و حتی محاکمه اش قرار دهی . از این روشی که در انجمن نویسنده گان رو به قوام گرفتن است باید توسعه و تحکیم یابد .

اعظم رهنورد زریاب از داستانویسان ، پژوهنده گان و مترجمان طراز اول کشور ماست که شیفته گان فرهنگ و ادبیات از نخستین سالهای دهه چهل با نبشته ها ، مقاله های پژوهشی

و ترجمه های آشنا یی دارند . در داستانهای او به کار بستن دقیق تکنیکهای داستانی نویسی ، بینش عمیق روانشناختی و جامعه شناسی ، پرداختن به چندی و چونی ماجراهای آدمی و دقت زیاد و حتی وسواس در سلامت نگارش و پرهیز از استعمال واژه های نادرست به هم گره خورده اند .

او از آموزش یافته گان شعبه ژورنالیزم دانشکده ادبیات است و در این رشته گواهینامه فوق لیسانس نیز از انگلستان به دست آورده است . رهنورد زریاب بر زبان انگلیسی تسلط دارد و ترجمه های ارزشمندی از این زبان به زبان دری انجام داده است .

از رهنورد تا کنون کتابهای زیرین به چاپ رسیده اند : - مرد کوهستان (مجموعه داستان) - آوازی از میان قرنها (مجموعه داستان) - دوستی از شهری دور (مجموعه داستان) - پیراهنها و چند داستان دیگر (ترجمه چند داستان) - نقشها و پندارها (یک داستان میانه و چند داستان کوتاه) - گنگ خوابیده (مجموعه مقالات) - حاشیه ها (مجموعه مقالات)

گذشته از این آثار به صورت شرکتهای سهامی و امتد و شخصی فعالیت میکرد . بدین ترتیب در مورد اقتصاد ، معارف ، صحت عامه ، معادن ، جنگلات ، مخبرات و غیره باید صریح و روشن توضیح دهد که از کدام مکتب اقتصادی پیروی میکند .

۴- از جمله نواقص دوره گذشته که به ما میراث مانده است واقعا ستم قبیلگی یی بوده و در قانون اساسی و حتی در اصول نامه تشکیلات و انتخابات توجه نگردیده و مردم یعنی ملل افغانستان رنج برده اند و شما هم آن را روشن و صریح اظهار نکرده ، بلکه به صورت فشرده از قدرالی

دیگری نیز آماده چاپ دارد که امید است به زودی کام جان دو ستدا را ن ادبیات را شیرین سازند . * * * در همین پلینوم انجمن نویسنده گان ، محقق سابقه دار عبدالله بختانی باخذ بیست و دو رای به حیث معاون اول و داستان نویس و پژوهنده سختکوش محمد اکبر کرگربا اخذ بیست و چهار رای به حیث معاون دوم انجمن بر گزیده شد .

«پهون» انتخاب نویسنده توانای افغانستان ، رهنورد زریاب ، را که بی گمان از مفاد خرد بیات معاصر ماست

و در عین حال در مسایل اجتماعی ، سیاسی نیز از وقوف و خیرت عمیق بهره ور ، صمیمانه شاد باش میگوید و امیدوار است که نویسنده و صاحب نظر گرامی ما بتواند به یاری همکاران خیر و مجرب خویش انجمن نویسنده گان را به یک کانون پویا و پر تحرک فرهنگی مبدل سازد و ما انجمن نویسنده گان را در هنگام تصدی وی آن گونه به تماشا بنشینیم که منوچهری سخنور بز رگ ، دمیدن خورشید را نکر بسته بود : **به گر دار چراغ نیم مرده که هر ساعت فزون گردش ووغن**

یاد کرده اید . درد جانگناه همین جاست . مثلا یک ولسوالی با داشتن یک هزار خانه واریک وکیل دارد ، ولی یک ولسوالی دیگر با پنجاه هزار خانه واریک وکیل دارد . کوچیا یک صد هزار خیمه است . ده الی بیست نفر وکیل دارند ، ولی برخی ولایات بزرگ کشور تعداد وکلایش به مراتب از آن کمتر است . تعیین تعداد وکیل باید از روی نفوس در انتخابات صورت بگیرد که شما در طرح خود ذکری از آن نکرده اید . شما نوشته اید :

قام و موشک

چندی پیش یک کارخانه دار امریکایی به شوروی آمد و مقدار ۳۰ یا ۵۰ تن فلز بدنه موشکهای میان برد را که بر پایه موافقتنامه اتحاد شوروی و امریکا نابود شده بود خرید . بدنه فلزی این موشکها الیاژ بسیار محکم و قیمتیست . هنگامی از کارخانه دار امریکا یی پرسیدند برای چی منظوری بدین معامله پرداخته است . پاسخ داد :

از این فلز قلم میسازم . قلم خود نویسی ، قلم خود نویسی که هرگز خراب نشود . هر قلم ۱۵ یا ۲۰ دلار ارزش خواهد داشت . سود فراوانی خواهد برد و بدینوسیله ثابت میکنم که نه در صنایع اسلحه سازی و تجارت نظامی ، بل در صلح آمیز ترین تشبیها ، در ساختن یک قلم معمولی نیز منفعت بسیار نهفته است . افزون بر آن نشان خواهم داد که با قلم - یا یک قلم خوب - میشود دنیا را به

سوی بهروزی و انسانها را به سوی دستیابی به تفاهم و صمیمیت رهنمون کرد . قلم ساخته من که به شکل راکت خواهد بود عصر گذار از جنگ به صلح ، عصر گذار از خشونت به خرد را نشان میدهد . خواهد کرد . قلم جای موشک را میگیرد و از آن همه گان بهره ور میشوند ، زیرا از هر اسلحه موشک رهایی مییابند . شنیده ایم که انجمن نویسنده گان میخواهد ، نشریه یی به نام «قلم» به جامعه فرهنگی کشور پیشکش کند . امید داریم این نشریه در مسیری به راه افتد که در بالا در باره قلم گفتیم . و با این امید واری میگوییم که سیمایش تا بانک باد و صدایش رسا و پیروزی را در دفاع از عرض و آزادی قلم خواستاریم .

آریانای کهن ، خراسان دیروز و افغانستان امروز . من مورخ نیستم اما گاهگاهی متون گذشته گان را و یا آثار مولفان خارجی را در باره کشور خود مطالعه میکنم و علاقه دارم تا اسلاف خود را بشناسم . از این که آنها چی کسانی بودند و چی کارهای کردند اطلاع حاصل کنم . متأسفانه کلمه آریانای بزرگ را در هیچ یک از متون تاریخی اسلاف خود نخوانده ام و اثری به این نام تا حال به دستم نرسیده است . پنجاه سال پیش عده یی از مورخان

بحث پیرامون طرح

(از ص ۲)

تا دفن گردد . همان طوری که در ازویای شرقی دفن گردید . مکتب دیگر اقتصاد سرمایه داری مبتنی بر بازار و رقابت آزاد است که نمونه آن ایالات متحده امریکا میباشد . در کشور ما پس از انقلاب سال ۱۳۵۲ ش و سال ۱۳۵۷ ش اقتصاد سوسیالیستی و سرمایه داری هر دو وجود داشت . تعلیم و تربیه ، مخبرات ، معادن و جنگلات مربوط دولت بوده و تجارت آزاد که

را ملی میسازند . چنانچه هنگام بعد از جنگ دوم جهانی حزب کارگر در انگلستان پیروز شد ، صنایع سنگین ، ذوب آهن و صحت عامه را ملی اعلان کرد . مکتب دیگر سوسیالیزم به اصطلاح عملی بوده که از لنین تا برژینف و چرینکو در روسیه واقما و آن عملی شد و چون نتیجه نداد امروز به دست گریباچف در تابوت گذاشته شده است

س: تشکيلات ولايتي بدخشان سازمان انقلابی زحمتکشان افغانستان چه وقت ايجاد شد و در کدام عرصه ها فعاليت کرده است؟

ج: چندی بعد از ايجاد س.ا.ز.ا، در سال ۱۳۴۷ ش تشکيلات ولايتي بدخشان به وجود آمد و با استفاده از ميتود ها و اشکال مختلف مبارزه (مخفی و علنی مسلحانه و مسالمت آمیز) به مبارزه پيگير در عرصه های مختلف دست زد. زمانی مصروف جلب و جذب

روشنفکران بود و عليه بيرو - کراسی حکومتها و مستبدین محلی فعالانه مبارزه نمود. است. همچنان غرض آکاهي بخشيدن دهاقين و کسبه کاران اعضای آن با ترک مکاتب و مدارس و مشاغل رسمی دولتي به میان آنها شتافتند. مبارزه عليه تریاک، مارشها و میتنگها غرض تقبیح اعمال اسرائیل علیه خلق مسلمان فلسطین و عملکرد غند ضربه دولت عليه مردم

یمنکان ولسوالی جرم، حرکت توده یی به خاطر توزیع کمکهای ملل متحد در سالهای قحطی ۱۳۵۱ ش و دهها مارش و میتنگ دیگر را سازماندهی و رهبری نمود. و هیچکاهي زندانهای بدخشان تاکنون از وجود فرزندان سازمان ما خالی نبوده است.

تشکيلات ولايتي بدخشان س.ا.ز.ا، تلفات سنگینی را در اواخر دهه پنجاه و سالهای بعد بخصوص سالهای (۱۳۵۷-۱۳۵۸) ش متحمل گردیده است. س: روند جاری استقامت کار تشکيلات ولايتي شما را چه چیز ها تشکیل میدهد؟

ج: تشکيلات ولايتي بدخشان با درس از زنده گی جامعه و جهان و با ارزیابی تجارب خویش و درس از اشتباهات و غنا بخشیدن جهات مثبت کار در همپيوندی با روند دموکراسی استقامت کار خود را در عرصه های آتی پیش میبرد:

- ۱- در جهت تقویت تشکيلات سازمانی از طریق بلند بردن سطح آگاهی و تقوای سیاسی، انضباط و دسیپلین، مردم دوستی با استفاده از فضای دموکراسی و تجارب قبلی کار سازمانی.
- ۲- در جهت گسترش زمینه های بیشتر عملی همسویی با تشکيلات ولايتي حزب ج.د.خ.ا. و راهیابی و سهمگیری فعال مردم در امور زنده گی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و طنس لوجک مان بدخشان و افغانستان محبوب غرض تامین صلح، مرهم گذاری به درد ها و آلام مردم

گفت و شنود با قیام الدین قیام

شکیته ولايتي بدخشان س.ا.ز.ا



قیام الدین قیام فرزند امام یار در سال ۱۳۳۰ خور - شیدی در محله گفشدو زان شهر فیض آباد، دیده به جهان هستی گشود. سند فراغت بکلور یا را از لیسه کو کچه بدست آورد. از صنوف نهم و دهم مکتب به جنبش روشنفکری و ولايت بدخشان پیوسته و در مظالم هرات، میتنگ ها و مارشها یی که در شهر فیض آباد راه می افتید، فعالانه اشتراک میورزید.

قیام یازده بار تحت نظارت و توقیف، سه بار به حبس طویل و دو بار به پرداخت جریمه نقدی محکوم و در سال ۱۳۴۹ ش به اخراج از مکتب و در سال ۱۳۵۰ ش به جزای تبعید از ولايت محکوم گردیده است.

بلاکشیده ما، باز سازی آنچه ویران شده و شگوفایی فردای وطن با نظر داشت آرمانهای مردم طوری که آنها خود را از زمان جدا ندانند، بلکه ايجاد کرد دولت خود باشند و فعالیتهای آن را پیوسته بتوانند نظارت نمایند.

در جهت برقرار تماس و تحکیم روابط با مسوورین بخشهای تنظیمه ها، قوماندانان، رجال و شخصیتها و تبادل نظر غرض ايجاد تفاهم به خاطر قطع جنگ، تامین صلح و همبسته گی مردم افغانستان.

۴- تلاش در جهت اتحاد مسلمین مذاهب مختلف، جبهه متحد ملی (جبهه صلح و دموکراسی) و ايجاد دولت فدرالی به خاطر تامین عدالت، برابری و برادری در عمل میان ملیتها، اقوام و قبایل کشور.

۵- احترام و رعایت قوانین بین المللی، احترام به مقام انسان، نظریات فرد، جمع، جامعه و جهان با قبول رقابت سالم مکاتب سیاسی.

س: علل جنگ جاری در کشور را با مواضع صلح و جنگ روشن سازید؟

ج: انحرافات ج.د.خ.ا. و دولت بعد از رویداد هفت ثور ۱۳۵۷ ش باعث سرکوب نیرو های ملی و مترقی و خیزش بر حق مردم علیه رژیم گردید و این خیزش از طرف عده یی از کشور ها مورد حمایت قرار گرفت. با آمدن قطعات نظامی شوروی کشور به صحنه جنگ سیستمها تبدیل شد. بعد از تلفات سنگین و مصایب فراوان و جبران نا پذیر که يك قرن کشور را به عقب زد، در نتیجه مقاومت مردم، ايجاد

سیاسی جهت تامین صلح امر یست حتمی و پذیرفتنی. این جبهه قبل از همه باید يك جبهه سیاسی باشد. سازمانهای اجتماعی تازه به پا خواسته عمدتاً اهداف صنفی و اجتماعی دارند نه سیاسی، ترکیب اعضای این سازمانها را چنین میتوان یافت:

الف: بخش از آنها عضویت احزاب و سازمانهای سیاسی را دارند.

ب: عده یی از آنها به ثبت نام مجبور شده اند.

ج: تعداد دیگر بنا بر ملحوظات ارتباط با حاکمیت و ناگزیری های آفتابی ثبت نام کرده اجرای وظایف پر نسبی سازمان را یا انجام نداده اند و یا به آن باور مند نبوده و پرداخت حق عضویت را نوعی جزیه دانسته اند.

د: تعداد اصلی اعضای سازمانهای متذکره اندک است.

نیز باید در جبهه جای داشته باشند.

مجموع سازمانهای اجتماعی

و اتحادیه ها میتوانند در تشکیل واحد های بس نام (شورای اتحادیه ها) یا (اتحاد سازمانهای اجتماعی) و یاهر نامی که قابل قبول باشد، گرد آیند

و به حیث يك تشکل در «جبهه صلح» راه یابند. زیرا حقوق سازمانهای اجتماعی نمیتواند با

حقوق سازمانهای سیاسی مساوی باشد. و اگر نقش آنها در جامعه نا دیده گرفته شود بی انصافی نسبت به سازمانهای اجتماعی صورت خواهد گرفت، و اگر آنها را دارای حقوق

مساوی و یکسان با سازمانهای سیاسی تلقی کنیم، اهمیت بر اتوریتته آن صدمه زده ایم.

در مورد رجال و شخصیتهای با نفوذ و قابل احترام و عضویت آنها در جبهه میتوان گفت که آنها را به حیث اعضای با افتخار و مشاور در ارگانهای مرکزی و محلی جبهه پذیرفت، از این طریق میتوان به رجال و شخصیتها ارج گذاشت و به فعالیت ایشان سازمان و انسجام بخشید.

امید وارم با پذیرش نظریات وارد، جبهه صلح به صفت سمتهنده دولت و حکومت موقت بتواند خواسته ها و نهاد های اصلی و اساسی سیاسی خویش را تحقق یخشد و جوابگویی نیاز زمان و خواسته های مردم ما باشد.

س: تعداد اصلای اعضای سازمانهای متذکره اندک است. نیز باید در جبهه جای داشته باشند.

مجموع سازمانهای اجتماعی و اتحادیه ها میتوانند در تشکیل واحد های بس نام (شورای اتحادیه ها) یا (اتحاد سازمانهای اجتماعی) و یاهر نامی که قابل قبول باشد، گرد آیند

و به حیث يك تشکل در «جبهه صلح» راه یابند. زیرا حقوق سازمانهای اجتماعی نمیتواند با

حقوق سازمانهای سیاسی مساوی باشد. و اگر نقش آنها در جامعه نا دیده گرفته شود بی انصافی نسبت به سازمانهای اجتماعی صورت خواهد گرفت، و اگر آنها را دارای حقوق

مساوی و یکسان با سازمانهای سیاسی تلقی کنیم، اهمیت بر اتوریتته آن صدمه زده ایم.

در مورد رجال و شخصیتهای با نفوذ و قابل احترام و عضویت آنها در جبهه میتوان گفت که آنها را به حیث اعضای با افتخار و مشاور در ارگانهای مرکزی و محلی جبهه پذیرفت، از این طریق میتوان به رجال و شخصیتها ارج گذاشت و به فعالیت ایشان سازمان و انسجام بخشید.

امید وارم با پذیرش نظریات وارد، جبهه صلح به صفت سمتهنده دولت و حکومت موقت بتواند خواسته ها و نهاد های اصلی و اساسی سیاسی خویش را تحقق یخشد و جوابگویی نیاز زمان و خواسته های مردم ما باشد.

س: علل جنگ جاری در کشور را با مواضع صلح و جنگ روشن سازید؟

ج: انحرافات ج.د.خ.ا. و دولت بعد از رویداد هفت ثور ۱۳۵۷ ش باعث سرکوب نیرو های ملی و مترقی و خیزش بر حق مردم علیه رژیم گردید و این خیزش از طرف عده یی از کشور ها مورد حمایت قرار گرفت. با آمدن قطعات نظامی شوروی کشور به صحنه جنگ سیستمها تبدیل شد. بعد از تلفات سنگین و مصایب فراوان و جبران نا پذیر که يك قرن کشور را به عقب زد، در نتیجه مقاومت مردم، ايجاد

را داشته است، به یقین که تحقق طرح بر نامه جبهه کلید پیروزی صلح بر جنگ، اجرای موفقانه باز سازی و شگوفایی فردای وطن خواهد بود. س: دموکراسی، همگراسی و تفکر نوین که در جهان امروزی راه خود را بازه بینماید از نظر شما چی گونه ارزیابی شده میتواند؟

ج: به یقین گرایشهای مثبت و نیرومند دموکراسی و همگراسی یی در سطح جهانی راه خود را باز نموده و مولود رشد علم و تکنالوژی معاصر میباشد، نشان میدهد که از یکطرف قالبهای کهنه جوابگویی نیاز مندیهایی کنونی بشری نیست و از جانب دیگر کشور های تک حزبی با استفاده از امکانات حزبی و دولتی خود دیکتاتوری گروهی و خانه واده گی را بر حزب، دولت و جامعه تحمیل نموده و جوامع را به زندان بی ابتکاری و الگو سازی مبدل کرده بودند، چنین حالتی غیر قابل تحمل در عرصه های اقتصاد، سیاست و فرهنگ روز تا روز بر زنده گی مردم فشار وارد کرد. صدای همبسته گی در کشور لهستان بالا گرفت و به تعقیب آن در سایر کشور ها دگر گونیهای چشمگیری در قالب تفکر نوین و فضای باز دموکراسی به وجود آمد که به یقین پذیرفتنی است.

فضای باز سیاسی و علنیت و تفکر نوین امید انسان را به فردای صلح، ترقی، همزیستی مسالمت آمیز، عدالت، پاکیزه گی محیط زیست و در يك سخن جهان و انسان بهتر و نیرومند ساخته است.

س: طرح مرام «جبهه صلح» از طریق رسانه های گروهی که به قضاوت و نظر خواهی مردم پیشکش شده در شرایط کنونی جامعه ما لازمست یا نه؟

س: این را چه گونه ارزیابی میکنید؟ لطفاً نقطه نظر خویش را در زمینه ابراز داشته و پیشنهادات مشخص تانرا ارائه بدارید؟

ج: طرح بنیاد گذاری جبهه

مفصل و شفاهی خویش، گذشته یی سازمانرا به صورت ارتجالی به بررسی گرفته و دستاوردها، کمبودها و اشتباهات را برجسته ساختند. متعاقباً سوالات و پیشنهاداتی پیرامون تغییر نام، خط سیاسی، بنیاد عقیده تی، جهات تاریخی و فورم ادبیسی ارایه شده در طرح مورد بحث از طرف اشتراک کننده گان مطرح گردید و در فضای کاملاً آزاد و دموکراتیک توسط محترم کوشانی پاسخ ارایه شد.

در دو مین روز کار سمینار

ابتدا محترم محمد اسحاق کاوه عضو بیروی سیاسی س.ا.ز.ا، بیانیه مفصل و همه جانبه یی پیرامون اوضاع ملی و بین المللی و تغییرات عمیق و کیفیتانوینی که جو نوین سیاسی در عرصه جهانی بر بنیاد آن شکل گرفته و نضج و قوام می یابد ایراد کردند. و ابعاد و زوایسای گونه گون فعالیت سازمان رادر امتداد ۲۲ سال کار و مبارزات پر فراز و فرود آن به صورت فشرده ارزیابی کردند و عوامل، دلایل و موجبات تیرا که محدودیت

های معینی فرا راه گسترش و فرا گیر شدن سازمان ايجاد نمود روشن ساختند.

در این محفل به سوالات اشتراک کننده گان نیز پاسخ ارایه گردید. کار سمینار در فضای تفاهم به پایان رسید.

به منظور جمع آوری نظریات، پیشنهادات و انتقادات اعضای سازمان و اکمال و غنا مندی هر چه بیشتر این طرح سلسله بر گزار ی محافل و سمینارها در سطوح مختلف در مرکز و ولایات ادامه دارد.

مفصل و شفاهی خویش، گذشته یی سازمانرا به صورت ارتجالی به بررسی گرفته و دستاوردها، کمبودها و اشتباهات را برجسته ساختند. متعاقباً سوالات و پیشنهاداتی پیرامون تغییر نام، خط سیاسی، بنیاد عقیده تی، جهات تاریخی و فورم ادبیسی ارایه شده در طرح مورد بحث از طرف اشتراک کننده گان مطرح گردید و در فضای کاملاً آزاد و دموکراتیک توسط محترم کوشانی پاسخ ارایه شد.

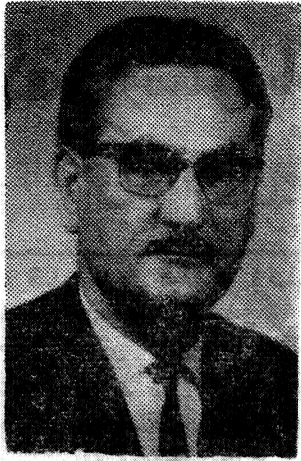
در دو مین روز کار سمینار

تدویر سمینار

اخیراً طرح اصول کلی نهضت دموکراسی افغانستان (ندا) در شماره قبلی این جریده غرض نظر خواهی به نشر رسیده است. رهبری س.ا.ز.ا، با اعتقاد به اصل زرین دموکراسی و گسترش و تعمیق آن به تاریخ ۱۶ و ۱۷ ثور سمیناری با شرکت

اعضای کمیته مرکزی و کادر ها و فعالین سازمان در دفتر مرکزی س.ا.ز.ا، برگزار نمود. سمینار با سخنرانی محترم محبوب الله کوشانی منشی اول کمیته مرکزی س.ا.ز.ا، آغاز یافت: محترم کوشانی در صحبت

گفارد اساسات دموکراسی



نویسنده دانشمند و گرانقدر محمد ابراهیم عقیقی که از نگار شهای پر محتوا بشان رایحه چمنستان انجمن ادبی کابل به مشام میرسد هشتاد و چهار ساله است. او از عمر پر بار خویش را پشت سر گذاشته اند. این نویسنده پسنکسوت که از صاحب نظران و قلم دان سرزمین ما شناخته شده است، و به حق است، این نوشته را به «مهین» فرستاده اند که با ارج گزارای زیاد به شخصیت والا و نظرات عمیق شان به چاپ میرسد.

پای جان از تودفاع خواهم کرد، تاحق داشته باشی آنرا بیان کنی. بز رکتین فرص حیات دموکراسی بر قبول مخالفت (اپو زیشن) است. اما هرگز این مخالفت را شخصی و عندی نمیتوان خواند، در قضا یا ی اجتماعی و حیاتی هر فرد به روشنی ضمیر و سیر فکر خود، قضاوت میکند و امکان ندارد که تمام افراد یکسان فکر نمایند. لهذا، طبیعی است که تضال افکار و عقاید به میان آید و هر کس حق دارد در ثبوت فکر و عقیده خود اسناد و دلایل ارائه نماید، این اختلاف نظر نباید شخصی باشد و خصومت تولید کند، برای این رویه در ممالک دموکرات تعاملات و عنعنات تولید شده و آنرا از امور شخصی مجزا ساخته اند و غالبا قانون بازی های سپورت را بر آن حاکم و نافذ ساخته اند. یعنی همان نظری که در سپورتهای دو طرف تیم مخالف به رقابت و مخالفت به یکدیگر به شدت بازی میکنند، و فتح و شکست بعد از بازی در مناسبات شخصی آنها تاثیری نداشته بلکه بعد از بازی با هم دست داده و اظهار دوستی و محبت میکنند، در امور سیاسی و اجتماعی نیز خارج فعالیت های وظیفوی سیاسی و حزبی واقع میشود که با هم دوست و رفیق باشند، چند سال قبل در هند احزاب مختلفه سیاسی با هم به نفع یک مقصد خیریه، در حضور هزاران نفر میچ کریکت ترتیب دادند که در آن نهر و هم شامل بود و در آن ضمن حزب کمونیست هند نیز شرکت کرده بود. وضع خیلی تماشایی و تمدن دهنده و تلقین کننده بسی رابه وجود آورده بود و چنان میرساند که صحنه سیاست نیز چون ساحه سپورت است و در آن حب و بغض و شهوات پست شخصی و عندی در کار نیست، این موضوع مدتها در هند در معرض تبصره و بحث مطبوعات بود. فرض واصل مسلم دیگر حیات دموکراسی بر برد باری و مصالحه است (تالیانس و کمپر و میس)، چنانکه گفته اند دموکراسی نیست مگر کمپر و میس (مصالحه و گذشت)، در هیچ امری از امور سخت (ص ۷)

داشته است، ولی به خوبی واضح است که بشر پیچ تاریخی را در تحول حیات خود طی کرده و اکنون راه ها کوبیده و معین و روشن شده و فقط مرور زمانی را به کار دارد تا به همه دنیا فیوض حیات دموکراسی تیک عام شود. از ایجابات اولیه حیات دموکراسی اینست که، افراد جامعه حیات شخصی خود را از تجاوز مصئون و حفظ کنند تا مادامیکه یک تبعه مرتکب عملی که در قانون صریحا و کتابت جرم و جنایت شناخته شده نکرده، آزادی او قابل سلب نمیشد. در اجتماعات ممالک انگلو ساکسون، از قدیمترین ایام قانونی بنام (هیپس کارپس) در معرض تطبیق میباشد، خلاصه یی مرام این قانون اینست که از یکطرف غم حفظ نظام و امنیت عامه را خورده به ارپاب حکومت اجازه داده که آزادی افرادی را که مرتکب جرم و جنایت میشوند، سلب نمایند. ولی از جانب دیگر توجه داشته که ارپاب حکومت متاین اقتدار را سوء استعمال نه نمایند. لهذا ایام این چنین حبس را مقید به زمانی کرده که مثلا از دو سه هفته تجاوز نکند. در ظرف این مدت، پولیس مکلف است که اسباب و اسناد ثبوت جرم را به معکمه مربوطه ارائه بدهد، اگر در ظرف این مدت ارپاب حکومت عاجز از ارائه سند و ثبوت جرم شوند، متهم خود به خود از طرف محکمه آزاد میگردد. و پولیس مزاحم اوشده نمیتواند. این بزرگترین مصوونیت است که افراد در جوامع دموکراسی تیک از آن برخوردار میباشند. در جامعه یی دموکراتیک، آزادی گفتار و تحریر شناخته و تضمین شده است. هر فرد برای خیر و رفاه عمومی و یا شکایات شخصی، حق دارد شفاه یا تحریرا در حدودیکه قانون شناخته باشد اظهار نظر نماید. اعمال این حق از طرف افراد در پیشرفت و ترقی اجتماع کمک و تاثیر عظیمی بخشیده است، و لیس نویسنده فرانسوی به یکی از مخالفین خود گفته است: «من با این سخنی که تو میگوئی کاملا مخالفم. اما تا

بعد از دوره رنسانس و بعد از کشف امریکا و بالاخص بعد از استقلال امریکا و تدوین قانون اساسی آن و انقلاب کیپر فرانسه و اعلامیه یی حقوق بشر و انقلاب صنعتی و ظهور عصر عقل و دانش در اروپا به ظهور آمد. و برای تنظیم حیات اجتماعی اساسات جدید عملی گردید. در نظام حیات دموکراسی تیک برای افراد مصوونیت های شخصی به وجود آمد آزادی گفتار و تحریر و اجتماع و تشکیل تا میسر گردید. دامنه مساوات توسعه یافت و برای توده های مردم هم دسترس به تعلیم و تربیت ممکن شد - داستان عبرت انگیزی خواندم که روزی ابن سینا از بازاری عبور میکرد نظرش را جوانی بردگان آهنگری جلب کرد که با عضلات قوی و چهره یی نیکو و عرق آلود با آواز خوش فزلی میخواند و آهن همی کوفت. ابن سینا با او داخل صحبت شد و دید که باوصف بی سواد ی چیزها میداند و همینکه یک دفعه حرفی را شنید حفظ میدارد و باز همانطور پس میدهد، او را دریغ آمد که چنان پسر با استعدادی، از نعمت تعلیم بی بهره بماند. از خواست که در خدمت او در آید و تعلیم بخواند. پسر به حسرت به وی گفت که در پی تا مین اعاشه یی مادر پیر و پدر زمین گیر و خواهران اسیر خود است. و مجال کار دیگری ندارد و هر آینه اگر چون او هزاران استعداد ضایع نشدی او این سینا نگشتی. در حیات دموکراسی تیک محدودیتها و انحصارات طبقاتی متدرجا لغو گردید. چنانس تعلیم با تهداب وسیعتری به توده های بشری رسید - به زودی انکشاف و شکفتگی عظیمی در کار و تکنالوژی به وجود آمد و چنان رفتار علم و ترقی سرعت یافت که قطعا مثالی برای آن در تاریخ نمیتوان یافت. میگویند سرعت ترقی و انکشافی را که از اوایل قرن نوزدهم به بعد نصیب دنیا شده اگر با سه هزار سال که بشریت تاریخ دارد، مقایسه کنیم بیش از چند دقیقه به حساب نمی آید. به عبارات دیگر ترقی را که بشر در ظرف این چند لحظه حاصل داشته، بیش از تمام ادوار تاریخی است، و این همه هنوز از نتایج سحر است، هنوز نتایج ساینس و تکنالوژی به ثمرات کامل خود نه رسیده. هنوز زمان و مشکلات اجتماعی توده های عظیم بشر را در شرایط غیر مساوی و نامساعد از فیض تعلیم و تریه محروم

مانده کمتر رای ببرند حکومت شان ساقط و انتخابات از سر شروع میشود، به این ترتیب اقلیت یا اقلیت ها همیشه در تنقید و نکتگی گیری و عیب جوئی و پیدا کردن نقاط ضعف (مثل و اچ داگ) از اکثریت مبارز می-ورزند و در تبلیغ مرام و آمال خود در اجتماع دوام میدهند، تا اینکه به مرور سالها طرف توجه مردم واقع شده آرای بیشتر ببرند و واجد اکثریت و صلاحیت گردند. در این حال اقلیت به جای اکثریت جای میگیرد. حسن این ترتیب در این است که دسته اکثریت یا ارباب حکومت غافل و مغرور نمیشوند و به وظایف خطیر خود قهر توجه میکنند و اگر احیاناً غفلت نمایند بیاد تنقید و توبیخ اقلیت در پارلمان و دسته های دیگر در خارج واقع میشوند و بیدار میگردند، و اگر وضع خود را اصلاح نکنند، در رای گیری و انتخابات دیگر، از حکومت ساقط میگردند. اینست که در دموکراسی های امروزه مردم به وسیله یی نماینده گان خود، حکومت را کنترل می-کنند. طبیعی است که اکثر نماینده حقیقی مردم به مجلس بیاید جز برای مردم، کار نخواهد کرد. و به این ترتیب مرام حصه اخیر تعریف ابراهام لنکلن تکمیل میشود. احترام و اعتبار نقش اکثریت را، در تشکیل حکومت از عظیمترین تحول و ترقی در حیات بشری میتوان خواند. تاریخ بشری ثابت میکند که قرنهای طولانی مدار انکای تشکیل حکومت، توسل به زور و قوه و ظلم و عدوان بوده است. آنروز که این اصل بدوی جای خود را به پر نسب اکثریت آراء و انتخاب مردم داده باید حقیقتا در تاریخ بشری پیچی دانسته شود، که باعبور از آن دنیا های جدید و پرنوری در مقابل دیده گان رنج دیده و ظلمت زده یی انسان باز گردید، زیرا که تغییر حکومت بعد از این تاریخ، در عوض تشبث به زور و خون ریزی، به وسیله یی صلح آمیز ممکن گردید. اجتماعات غربی از همان قرون قدیمه به شراکت مردم در امور حکومتی متمایل بوده و به اختلاف زمان و مکان و شرایط و احوال برای آن تشکیلی و مجلسی داشته اند - فرمان حقوق (مگنا کارتا) در سال ۱۲۱۵ میلادی در انگلستان صادر شد ولی این حقوق و آزادی ها بسی محدود و منحصر به طبقات خاصی بود، جنبش و نهضت بزرگ دموکراسی

ابراهام لنکلن در اخیر خطبه کیتسبرگ خود دموکراسی را: «حکومت مردم به واسطه مردم برای مردم» تعریف کرده است. این تعریف تحدید جا معی است ولی توجیه و تفسیر می-خواهد. در اجتماعات کنونی بشر، که تعداد نفوس آن از ملیون ها تجاوز میکند حکومت مردم به صورت مستقیم غالبا ممکن نیست. برای این مقصد ناگزیر باید وسیله یی ایجاد و پیدا میشود. این وسیله پیدا شده عبارت از انتخابات نماینده گان مردم است. لهذا حکومت مردم در اجتماعات دموکراسی تیک به وسیله نماینده گان آنها به صورت غیر مستقیم به منصفه ظهور می آید. مردم نماینده گان خود را در پارلمان اعزام میدارند و ذریعه پارلمان بر امور جاریه حکومت و وضع قوانین و غیره نظامات اجتماعی رسیده کمی نمایند. برای اینکه پارلمان به وظایف خود حقیقتا رسیده بتواند مقتضی است که نماینده گان حقیقی مردم در آن راه یا بند و برای راه یافتن نماینده گان حقیقی اجتماع به پارلمان، اساسات و شرایطی تعیین گردیده که عبارت است از مخفی و مستقیم بودن رای دهی و آزادی و انتظام در آن. چون با این شرایط نماینده گان اجتماع به پارلمان حاضر شدند دسته یی که واجد اکثریت باشند موظف به تشکیل نایبینه شده و حکومت وقت را تشکیل میدهند. در اجتماع دموکرات نقش اکثریت خیلی مهم است تمام قضایای اجتماعی به انکاء و اعتبار آن حل و فصل میشود. احیاناً واقع میشود که اکثریت به راه صواب و مفید نرود ولی عملا چاره یی نیست. اکثریت تا وقتیکه به این وضع باقی باشند اراده آنها ملاک و مدار امور میباشند، ولی از طرف دیگر از همان لحظه که دسته اکثریت واجد صلاحیت تشکیل حکومت میشود از طرف اقلیت یا در پارلمان و چه، خارج پارلمان از طرف دسته سالی دیگر همواره در معرض ایراد گیری و تنقید و نکوهش قرار میگیرند و با وجود آنکه برای یک دوره معین (که شامل چند سال باشد) انتخاب شده باشند، در عمل از همان لحظه اول اختیار صلاحیت و تشکیل حکومت در معرض سقوط میباشند، زیرا در هر قضیه که در پارلمان به اساس اعطای رای فیصله میشود اگر دسته اکثریت به اقلیت

گفتار در . . .

(از ص ۶)

گیری و تعصب خوب نیست :
سختگیری و تعصب خامیست
تا چینی کار خون آشا میست
 اگر افراد يك جا معمه ،
 مخصوصا ارباب اقتدار ،
 اذهان خود را به روحیه بی
 تساهل و تسامح مجهز نسازند
 و گذشت و مصالحه نه نمایند ،
 محال است که ریشه بی درخت
 دموکراسی در آن پهن شود و نشو و
 نما بنماید ، درین زمینه در
 بساجوامع ، افراد پیشا هنک

زحمت کشیده و کوشش های
 فراوان کرده اند تا با ارایه یی
 نمونه و سر مشق در اعمال
 و افکار خود محیط را مساعده
 ساخته اند ، در انگلستان
 يك انجمن بنام (انجمن فابیا)

(فابین سو سائیتی) وجود
 داشت و دارد که در آن بسا از
 رجال ونو یسنده گان نامدار
 مثل جارج برنارد شاو ،
 سدنی و برتیس وب و هاردی
 و امثالهم عضویت داشتند ،
 شرح احوال این انجمن بسیار
 عبرت انگیز و مریوط به يك
 فقره از حیات ملت تاریخی

روم است که به اجمال شرح
 میدهم : در روم قدیم ،
 در آن زمان که افواج کارتا -
 جیها به سر کرده گی سردار
 معروف (هانیبال) از گروه های
 پیرنه و جبال آلپ گذشته
 به روم حمله کرده بود ، در
 بین سرداران مدافع رومی ،
 دو جنبه وجود داشت ، یکی

طرفدار حملات سخت و مستقیم
 بردشمن مهاجم بود و دسته یی
 دیگر که سز کرده گی آن به
 (فابیا) مریوط بود ، طرفدار
 حمله یی مستقیم نبوده بلکه
 پیشنهاد میکردند که ، خطوط
 عقبی و جنبی دشمن را شبخون
 بزنند و آذوقه و سامان حمل
 و نقل آنرا تلف کنند و از

رو به رو شدن مستقیم
 اجتناب کنند . تا به تدریج ،
 قوای دشمن خود به خود به

تحلیل رود و از پا در آید ،
 در اول موقع کار و فعالیت
 به دسته طرفدار جنگ مستقیم
 داده شد که در هر مقابله
 با تلفات سنگین شکست
 خوردند و دشمن به دروازه
 های روم رسید ، پس از آن ،
 نوبت را به (فابیا) دادند و او
 با ساس جنگ و ریز بادشمن
 پیش آمد ، شبخون زد و وسایل
 ارتباط و آذوقه اش را قطع
 نمود ، تا اینکه زمستان
 رسید و دشمن خود به خود
 پریشان و متفرق شده از بین
 رفت و حاکمیت و استقلال
 روم به این تدبیر حفظ

گردید ، (انجمن فابیا) در
 لندن نام خود را از این سردار
 نامی روم گرفته اند و مراسم
 شان ظاهرا اینست که در

حوادث و قضایای اجتماعی و
 سیاسی روز نیز همان اساس
 را به کار ببرند یعنی هیچ وقت
 با قضا یا و حوادث سیاسی و
 اجتماعی معاصر بشدت و خشو -
 نت رو به رو نشوند . بلکه
 از تسامح و تساهل و گذشت
 و کمپرو میس کار بگیرند ،

تا به مرور زمان هر مفکوره
 و هر قضیه اجتماعی جدید رام
 و اهلی شود و منجر به اختلاف
 و جنگ و اختلال نکرده ، روسای
 این انجمن را در امور سیاسی
 و ادبی انگلیس نفوذ مهمی
 است و بعضی از پیشوایان
 حزب کارگر انگلیس عضو این
 انجمن بوده اند و نتیجه

اینطور شده که حزب کارگر
 چند مرتبه در انگلستان مامور
 تشکیل کابینه شده و یک عالم
 اصلاحات اجتماعی روی کار
 آوردند و چیزهایی را که
 ناممکن پنداشته میشد ممکن
 ساختند اما بدون آشوب و
 اختلال و بی نظمی باخشونت
 و تشدد . این تغییرات همه
 به برکت صبر و بردباری و
 گذشت و تسامح رو داده است ،
 و اگر انکشاف و ترقی منظم

پیدا شود و انکشاف و ترقی
 بدون انکشاف و تنمیه این
 صفات در عموم مردم و علی -
 الخصوص در ارباب اقتدار
 صورت بگیرد . در ممالکی مثل
 فرانسه که اصلاحات ذریعه
 انقلاب و خونریزی ها صورت
 گرفته عواقب آن برای اجتماع
 هرگز میمون نبوده است
 هنوز اجتماع فرانسه از تاثیر
 تشنجات خود را بر کنارساخته
 نمیتواند .

فرض و اساس دیگر حیات
 دموکراسی بر خیرات و احسان
 و کرم و بخشش است و تا به
 این روحیه و مفکوره افراد
 تربیه نشوند جریان و دوا م
 و نمو و انکشاف حیات دمو -
 کراتیک غیر ممکن است ، اگر

مردم و بالا خص طبقه ها که
 ورهنا و رو شنفکران به این
 روحیه متمایل نشوند و سر -
 مشق های عملی از روی حسن
 نیت و کمال صداقت در تر -
 بیه و رهنمایی مردم ندهند .
 این نظام قوام مطلوب نه
 خواهد یافت . در جای یی
 مقاله یی به قلم یکی از نو -
 یسنده گان غربی خوانده ام که

در باره يك مملکت شرقی
 نوشته و در آن گفته بود :
 « افراد این مملکت که بعد از
 فراغ تحصیل از ممالک غربی
 به کشور خود باز گشت میکنند
 با محیط خود تطابق نمی -
 یابند و بین افکار ایشان و
 افکار افرادی که در دشت ها
 و بیابان هادر زیر چادر های
 سیاه زنده گانی میکنند يك
 هزار سال فاصله زمان وجود
 دارد . » مقصد این شخص از
 تفاوت البته تفاوت فکری و
 عقیده وی بوده ولی ظاهرا
 غافل مانده است از اینکه
 فاصله مادی که بین حیات
 توده و این گروه روشن فکر
 موجوده شده حتی بیشتر از
 فاصله فکری است . این
 گروهیکه از غرب برگشته و
 مشعل ترقی و پیشرفت را به
 دست گرفته و اقتدار یافته
 اند در بعض ممالک چنان در
 پی تحصیل پول و ثروت و

خوش گذرانی ها افتاده اند که
 مفهوم خیرات و احسان و کرم
 و عطا را در برابر مردم که
 روح دموکراسی است بکلی
 فراموش کرده اند . البته
 اگر تحصیل پول ثروت از طریق
 حلال و طیب باشد چه بهتر
 از آن ، مگر چون متاسفانه
 طرق مشروع و حلال تحصیل
 پول امروزه موافق به احتیاج -
 چات نیست به راه های یی
 غیر از آن هم تشبیه میکنند .
 و این تناقضات غیر از اینکه
 مغل نظام اجتماعی بشود دیگر
 نتیجه یی نمیتواند داشته
 باشد .

در انجیل متن شرحی آمده
 است که بسیار عبرت انگیز
 است . اجازه بدهید آنرا
 ترجمه کنم : « چون برآه
 افتاد مردی دوان دوان آمد و
 بزوان افتاد و پرسان کرد :

یا مولای خوب ، به چه عمل
 کنم که مستحق حیات جاوید
 شوم ؟ عیسی بدو گفت : چرا
 به من خوب خطاب کردی .
 خوب جز یکی وجود ندارد و
 آن خداست . تو فرمان خدا را

میدانی : زنا مکن ، قتل نفس
 مکن ، دزدی مکن ، شهادت
 دروغ مده ، تقلب مکن ،
 مادر و پدرت را عزیز و محترم
 بدار . و او ، به وی جواب داد
 یا مولای ، تمام این چیزها را از
 جوانی رعایت کرده ام ، و بعد ،
 عیسی به وی نکر یسته
 دوستش داشت و گفت : يك
 چیز را توفاقدی ، به راه خود
 برو ، هر چه داری بفروش و
 به فقراء بخش ، و تو به
 آسمان قراین خواهی داشت ،

و باز گرد و صلیب را بدوش
 بگیر و مرا پیروی کن . مرد
 ازین گفته غمین شد و آز رده
 رفت چون دارایی زیاد داشت .
 عیسی بدور و پیش خود نگاه
 کرد و به پیروان خود گفت :
 چقدر مشکل است برای
 آنها بیکه دارای غنا و دولت
 اند به بهشت خدا داخل شوند ،
 و پیروان به این کلمات متحیر
 شدند ، عیسی دو باره پاسخ
 داد : ای اطفال ، چقدر برای
 کسانی که به ثروت و غنا تکیه

اساطیری تا ختم ساسانیان
 و غلبه اسلام را در بر
 میگردد همه جا از ایران یاد
 شده است .
 (۳) عبد الحی ضحاک کرد -
 یزی از جمله مورخان با -
 ستانی ماهه زبان دری فارسی
 میباشد . او مانند فردوسی
 مینویسد که : در زمان
 اردشیر بابکان ایران شهر
 یکی بودی ، و او به چه
 سیهبد تقسیم کرد : خراسان ،
 سیستان ، آذربایجان و
 جزیران .

طبری در تاریخ خو پیش
 میگوید که سیستان از خراسان -
 سان بزرگتر است و نفوسش
 بیشتر . کشور فعلی مازان
 سیستان قدیم و خراسان قدیم
 به وجود آمده است . فی این
 که تنها و تنها از خراسان
 قدیم باشد . بیشترین حصص
 خاک کشور ما متعلق به
 سیستان بزرگ میباشد .

که تو با زبدهی به سالار
 چین
 نه اندر خوراید به این ودین
 سپهدار ایران که نامش
 زویر
 سپهدار دلیری چو درنده شیر
 بزرگان ایران و

اسپهدان
مهان جهان دیده و موبدان
 در این شعر کشور ما ایران
 خوانده شده است نه آریا نا .
 گرچه کلمه ایران تراش
 خورده و صیقل شده آریا نا
 میباشد یعنی بین آریا نا
 و ایران فرقی نیست ، اما به
 جای آریانا ایران یاد شده
 است .

(۲) فردوسی طوسی خراسانی
 که پس از مرگ دقیقی بلخی
 شاهنامه را نوشت در هیچ
 جا کلمه آریانا بزرگ را
 استعمال نکرده است و در کتاب
 بزرگ شاهنامه که از دوره

و اعتماد دارند مشکل است که به
 بهشت خدا داخل شوند . برای
 يك شتر ، با بار آسانتر است
 که از نیفه سوزن عبور کند تا
 برای مرد ثروتمند که با قلبم
 (بهشت) خدا داخل گردد . «
هم خدا خواهی وهم دنیای دو ن
این خیالست و محالست و جنون
 بین ادعای خدمت لزارسین
 و مفید احوال هموطنان واقع
 گردیدن و مشعل دموکراسی
 را بلند کردن و از طرف
 دیگر پول و ثروت انداختن
 و حرص جاه و مال داشتن
 تناقض محسوس وجود دارد .
آدمی زاده طرفه معجو

تیس
کز فرشته سرشته و ز
حیوان
گر کند میل آن شود به
از آن
و در کند میل این شود بدتر
ازین

برای اینکه در يك اجتماع
 شرایط حیات دموکراسی
 موجود شود لازم است افراد
 و بالا خص افراد طبقه یی که
 ادعای اصلاح طلبی و روشنفکری
 ورهنا یی را دارند جنبه
 صفات ملکی را که در ضمیر
 هر بشری موجود است انکشاف
 بخشند احترامات حیوانی
 حمال و جاه را در خود سر -
 کوب نمایند و اعمال خود را در
 پرتو آن چنان ضیاء و روشنی
 بدهند که برای همه چراغ
 هدایت و طریق نجات از غوایت
 باشند .

ختم مقال را به ترجمه
 دعا یی میکنم که همیشه در
 پیشانی يك روز نامه خارجی
 چاپ میشود و تفکر انگیز
 است :

خداوند ا
 به ما توفیق و هدایت
 ارزانی فرما تا امروز چیزهایی
 را که تغییر داده نمی توانیم
 با آرامش بپذیریم .
 جرات و شها متی بخش تا
 چیزها یی را که ممکن است و
 میتوانیم تغییر بدهیم .
 دانشی عطا فرما که این
 دو چیز را تشخیص صحیح داده
 بتوانیم - آمین .

م. ابراهیم عقیقی

م. ابراهیم عقیقی

م. ابراهیم عقیقی

م. ابراهیم عقیقی

م. ابراهیم عقیقی

م. ابراهیم عقیقی

م. ابراهیم عقیقی

م. ابراهیم عقیقی

بحث پیرامون طرح . . .

(از ص ۴)

ماتحت رهبری والا حضرت
 سردار محمد نعیم خان دست
 به کار تاریخ نویسی زدند و
 به هدایت موصوف ابتکارا تی
 در تاریخ ما به میان آوردند
 که تا حال سندی به دست من
 نرسیده است تا این ابتکارات
 را تصدیق نماید .

در طرح شما کلمه آریانا یی
 کهن و خراسان دیروز به
 کشور ما اطلاق شده است . اگر
 مرا به ماخذی که این مطلب
 را تا یید کند رهنمای نماید
 نه تنها مورد افتخار من
 خواهد بود ، بلکه من را از
 گمراهی و اشتباه بزرگان
 پیشین مانجات خواهید داد .
 پس از فرس قدیم و فارسی
 پهلوی اشکانی و فارسی

پهلوی ساسانی در گیرو دار
 سلط اسلام از زبانهای یهن
 ما ، زبان سغدی و غیره ،
 فارسی دری به وجود آمد و
 اتاری که در زبان اوستایی
 و پهلوی باقیمانده بود به
 فارسی دری ترجمه گردید
 که امروز به دسترس ما
 قرار دارد . اولین تاریخ ما
 به زبان شعر فارسی دری
 يك هزار بیت کرشاسینا مه
 دقیقی بلخی میباشد که از
 روی اسناد قدیم ویا سینه
 به سینه زنده مانده و در آن
 چنین آمده است .

(۱)
 به شاه جهان گفت زودش
 پیر
 که در دین ماها نباشد هژیر

پهلوی اشکانی و فارسی

پهلوی اشکانی و فارسی

بحث پیرامون طرح

(از ص ۷)
 اما زمانی که محمود خرا - سان ، فارس و ماوراء النهر را سخیر کرد فرخی سیستانی ساعر نامدار ماچین اورا مدح برده است :
 چه روز افزون عالی دولت است
 این دولت سلطان
 که روز افزون بدو گشت
 ملک و ملت و ایمان
 همین دولت عالی امین
 ملت بانی
 نظام دین ابو لقاسم ستوده
 خسرو ایران
 ختن خان را مراد آمد که باتو
 دوستی کرد
 همی خواهد نه اید چون
 قدر حق نزد تو مهمان
 خداوند جهاندار از خانان
 دوستی ناید
 که بی رسمندوبی قولند و
 بدعهد ندو بد پیمان
 به ایرانی چگو نه شاد با ید
 بود تورانی
 بس در چندین بلا کامد
 زایر شهر بر توران
 هنوز زار باز جوید در زمینشان
 چشمه های بایی
 از آن حوینها کز ایشان ریخت
 تیغ رستم دستان
 به تر کستان زمین نیست
 کز شمشیر تو صد ره
 در آن شو بی نکر دستند
 خاتونان تر کستان
 بدین گونه دیده میشود که
 محمود راهنگام که در اکثریت
 مناطق فلات ایران مسلط
 گردید شاه و شهنشاه ایران
 خطاب کرده اند نه آریانا .
 (۵) زمانی که مغلها به
 فلات تا ختند ملو ک کرد هرات
 به چنگیز خان تسلیم گردید .
 ولی مردم با شهادت هرات به
 نام سر بداران بر ضد
 چنگیز یا ن قیام کردند و از
 امرای کرد درخواست نمودند
 تا آنها رایاری دهند که
 تجاوز گران را از کشور
 بیرون رانند .
 یکی از شعرای معاصر
 میگوید :
 گو خسرو کرد بر دلیران
 نزدی
 و ز تیغ یلی گردن شیران
 نزدی
 از بیم سنان سر بداران
 تا حشر
 یک ترک دیگر خیمه به ایران
 نزدی
 (۶) هنگامی که محمود
 هوتکی قیام کرد و سلطان
 حسین صفوی تاج شهنشاه
 ایران را بر فر قش گذاشت ،
 او در سکه و مهرش چنین
 حک کرد :
 سکه زد از شرق ایران
 همچو قرص آفتاب
 شاه محمود جهانگیر سعادت
 انتساب
 (۷) شاهد در بار عبدالی
 در مرگ تیمور شاه چنین
 گفته است :
 ملک ایران گشت ویران
 چون دل آشفته گان

ای دریغا تا جدار کشور
 ایران بجاست
 طوری که میبینیم در طول
 تاریخ شاعران ، نویسنده -
 گان و مورخان ما به جای
 کلمه آریانا ی کهن کلمه
 صیقل شده و تراشیده شده
 ایران را در شعر و یا نشر
 فارسی دری یاد کرده اند . این
 نمونه ها همه از شعرا و نو-
 یسنده گان اصیل این مرزو -
 بوم میباشد نه از بیگانه -
 گان . از گذشته تا حال کلمه
 آریانا در متون تاریخی ما به
 کار نرفته است . البته زمانی
 قبایل آریایی به فلات
 مسکن گزین شدند و یک
 شاخه باختری آریایی ها به
 طرف هند کوچید ، در آن
 وقت هند و ایران به نام
 مشترک آریانا و چه یاد
 میگردد . تاریخ اساطیری
 ما از کیومرث تا فریدون شاه
 ها ن سرزمینی بوده اند که
 ام البلاد بلخ مرکز آن بود .
 است . فریدون جهان را بین
 پسرانش قسمت کرد و ایران
 شهر را به ایرج داد که امروز
 به نام فلات ایران یاد
 میشود و کلمه آریانا و چه از
 بین رفته است . حتی اشتباه
 بزرگی از جانب مورخان قدیم
 یونانی رخ داده است . تا
 همین سالهای آخر به روی
 نقشه های جغرافیای ایران
 غربی افغانستان (ایران
 شرقی) کلمه پرشیا را ذکر
 میکردند . علت آن است که
 چون هخامنشی های پارسی
 آریایی به سلطنت رسیدند
 به فلات ایران متوقف نشدند ،
 بلکه هند و مصر حتی کرمان
 داریوش و پسرش خشایا -
 رشا به یونان دست یافتند و
 شهر آتن را به آتش کشیدند .
 چون هخامنشی ها خود را
 پارسی میخواندند یونانی
 ها به جای فلات ایران و یا
 ایران شهر پارسی و پرشیا
 ذکر کردند .
 فیض محمد کاتب مورخ
 شهیر کشور ما نگارنده سراج -
 التواریخ چنین نوشته است :
 (۸) ذکر بلاد فارس شرقی
 حال موسوم به افغانستان
 (این بلاد ولایات محدود
 است . از جانب شمال به بلخ
 که جزو مملکت تاتار مستقله
 است و از طرف شرق به
 مملکت چین و کشور هندو
 طرف جنوب به بحر هند و
 از جانب غرب به کرمان و
 خراسان از مملکت ایران
 و این محدود چار قسمت است :
 هرات ، کابل ، سیستان ،
 بلوچستان)
 این است اثری تاریخی
 از دولت ابدالی ها که از وقت
 احمد شاه درانی تا دوره امیر
 عبدالرحمن خان ، فیض محمد
 کاتب به روی اسنادی که
 دولت به دسترس او گذاشته
 بود ، نوشته است :
 فیض محمد کاتب در مقدمه

کتاب مذکور مینویسد : این
 کتاب را ورق به ورق ، صفحه
 به صفحه ، سطر به سطر ،
 جمله به جمله ، کلمه به
 کلمه ، حرف به حرف ،
 نقطه به نقطه اعلیحضرت
 سراج الملک والدین مطالع ،
 حک و اصلاح نموده ، در حقیقت
 این کتاب را خود اعلیحضرت -
 نشان نوشته اند و در حقیقت
 به من هیچ مدان افتخار
 بخشیده اند .
 سردار محمد نعیم خان نظر
 به تعصب قبیله بی میخواب -
 ست که تاریخ ما را مسخ کند
 و به مورخان ما دستور دهد .
 بت میداد . زمانی که رضا -
 شاه نام ایران را بلای کشورش
 گذاشت و همچنان نام
 سیستان و خراسان را در
 ولایاتی که جزء خراسان و
 سیستان بزرگ بود بلای
 ولایات متذکره نهاد به قول
 عبدالحی حبیبی ، غبار و
 اعظمی به نمایندگی از قشر
 روشنفکر کشور به وزارت
 خارجه نزد سردار محمد نعیم
 خان رفتند و رسماً احتجاجیه
 خود را سپردند . ولی از طرف
 دولت به آن اعتنایی نشد .
 بعد آقای غبار هم دست به
 ابتکار زد و اشتها کرد به
 جای کلمه فلات ایران (فلات
 ایران) آورد و به اصطلاح
 تاریخ را مسخ نمود . اما
 داکتر نجیب الله تورو یا نادر
 کتاب دوجلدی اش به نام
 آریانا از کار برد کلمه ایران
 خود داری کرد و در جایی که
 موضوعات به ایران غریبی
 تعلق پیدا میکند همیشه آن
 را به نام فارس یاد کرده است .
 این امر بر کشیده کی بیشتر
 موضوع افزود . بناء به
 عقیده من نباید که ما به نام
 جدید خود را قناعت بدهیم و
 اشتباه بر اشتباه مرتکب
 شویم . فلات ایران از دوران
 قدیم تا امروز به همین نام
 خوانده شده است و نو -
 یسنده گان و شعرا ی ما هم
 در آثار خود آن را ذکر کرده
 اند .
 ما به شاهان آنقدر نیاز
 و افتخار نداریم که به مردم
 خود و فرهنگ خود می نازیم .
 افتخار ما به تیموریان و
 مغلان هند نیست بلکه به آن
 است که هنر و ادبیا ت و فر-
 هنگ ما در دوره تسلط آنها
 پر بار تر و گرانها تر گشت .
 سوال مهم اینجاست که
 اگر ما بگویم دقیقی بلخی
 خراسانی ، مولوی بلخی خرا -
 سانی ، ابو علی
 سینای بلخی خراسانی و
 ناصر خسرو بلخی خراسانی
 آیا آنها مختص به ما میشوند ؟
 خراسان سر زمین و سیع و بی
 از سپهد ها و یا ولایات قدیم
 ایران است که از خاورزم تا
 نیشاپور و مرو امتیده است .
 فرزندان خراسان در هر
 جایی که هستند در ماوراء -
 النهر ، ایران یا افغانستان به
 آنها افتخار میکنند . جشن
 هزاره فردوسی و ابوعلی سینا
 را در جمهوریت های

کنفرانس سازمانی جبهه شمال شرق س.ا.ز.ا

سومین کنفرانس سازمانی قرار داده میتود ها و اشکال جبهه شمال شرق س.ا.ز.ا ، به موثر تر سازماندهی ، کار و مبارزه را برای آینده معین ساخت .
 همچنان در کنفرانس روی مسایل حاد و مبرم سیاسی ، نظامی و تشکیلاتی کنونی جبهه به صورت آزاد با واقع بینی و ژرفنگری شور و بحث صورت گرفت و تصمیم و فیصله های معین اتخاذ گردید .
 کار کنفرانس با صدور قطعنامه پایان پذیرفت .

پلینوم نوبتی کمیته ولایتی بدخشان س.ا.ز.ا

جلسه پلینوم نوبتی کمیته ولایتی بدخشان س.ا.ز.ا به اشتراک خلیل الله رستا قی نامه پنده کمیته مرکزی س.ا.ز.ا ، گاه در ها و فماین آن ولایت به خاطر جمع بندی و ارزیابی کار - کرد های سال پار و ستمند هی فماینها ی سیاسی - اجتماعی سال ۱۳۶۹ ش در فضای تغییرات نوین ملی و بین المللی به روز جمعه مورخ ۱۷ حمل ۱۳۶۹ ش در سالون کنفرانسها ی کمیته ولایتی س.ا.ز.ا ، تدویر یافت .
 در آغاز کار پلینوم ، شاملان جلسه در گرامیداشت خاطر شهدا به پا خاستند . سپس مطالبی آجندا گزارشی اساسی توسط قیام - الدین قیام منشی کمیته ولایتی بدخشان س.ا.ز.ا ، قرائت گردید ، بعداً کمیسیونهای کنترول و تفتیش ، تیوری و تبلیغ ، کمیته های شهری فیض آباد ، افسری ، ولسوالیهای درواز

جکستان و اوزبیکستان بر پا کردند چون آنها هم به فلات تعلق دارند و خراسانی هستند ، اما هیچگاه رو سها ادعا نخواهند کرد نظامی گنجوی و خاقانی شیروانی آذربایجان روسی میباشند . همچنان فرخی سیستانی و حکیم سنایی غزنوی که سیستانی بودند برای مردمان سیستان که امروز در افغان - لیستان ، ایران و پاکستان زنده میباشند بیگانه اند ؟
 ها شاو کلا ، مثال دیگر : علامه اقبال در لاهور تولد شد زنده گی کرد و وفات یافت . لاهور یکی از شهرهای نیم قاره هند و امروز یکی از شهرهای پاکستان است . اگر هندی ها آن را شاعر و فیلسوف هندی بگویند اشتباه کرده اند ؟ اگر پاکستانی ها او را از افتخارات خود می شمارند که به مردم افتخار ما به تیموریان و مغلان هند نیست بلکه به آن است که هنر و ادبیا ت و فرهنگ ما در دوره تسلط آنها پر بار تر و گرانها تر گشت . سوال مهم اینجاست که اگر ما بگویم دقیقی بلخی خراسانی ، مولوی بلخی خراسانی ، ابو علی سینای بلخی خراسانی و ناصر خسرو بلخی خراسانی آیا آنها مختص به ما میشوند ؟ خراسان سر زمین و سیع و بی از سپهد ها و یا ولایات قدیم ایران است که از خاورزم تا نیشاپور و مرو امتیده است . فرزندان خراسان در هر جایی که هستند در ماوراء - النهر ، ایران یا افغانستان به آنها افتخار میکنند . جشن هزاره فردوسی و ابوعلی سینا را در جمهوریت های